

(مقاله پژوهشی)

## زنان متولد دهه شصت و نقش آنها در آینده؛ مطالعه‌ای کیفی در بلوک‌های سازنده تصاویر آینده (مورد مطالعه: استادان زن شهر اصفهان)

زهرا حیدری دارانی<sup>۱\*</sup>، زهرا مجیدی فر<sup>۲</sup>، احد رضایان<sup>۳</sup>

### چکیده

تحقق هر آینده مطلوبی در ایران، در گرو مشارکت زنان به‌مثابه نیمی از کنش‌گران این آینده است. بررسی میزان احساس تعلق خاطر زنان به آینده و تلاش برای افزایش این احساس، گامی در جهت تقویت امید اجتماعی در جامعه است. آینده‌پژوهی دانش شناخت و ساخت چنین آینده‌ای است. یکی از رویکردهای آینده‌پژوهانه استخراج و تحلیل تصاویر آینده است. این پژوهش با روش تحلیل مضمون به استخراج و تحلیل تصاویر ذهنی زنان متولد دهه شصت از آینده انجام شده و طی چهار مرحله کدگذاری روی داده‌های حاصل از ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از زنان دانشگاهی در شهر اصفهان، شش مضمون فراگیر به‌دست‌آمده است. این مضامین که بلوک‌های سازنده تصاویر آینده ذهن این زنان هستند، عبارت‌اند از: «در انتظار بهترین آینده»، «آینده جنسیتی»، «عصر انسان»، «دولت من»، «آینده‌ای که نمی‌خواهمش» و «بی‌آیندگی اجتماعی». بنابر نتایج این پژوهش، تحقق هر آینده‌ای در گرو ایجاد بستر نقد فراگیر وضع موجود، گسترش شکل جدیدی از مشارکت زنان در خلق آینده به‌منظور ایجاد حس تعلق به این آینده است، توصیه راهبردی این پژوهش «اثرپذیری» سیاست‌ها و سیاست‌گذاران از این تصاویر و «اثرگذاری» سیاست‌های آینده بر روی این مضامین است تا منجر به خلق آینده‌ای پایدار شود.

### کلیدواژه‌ها

زنان، متولدین دهه شصت، آینده‌پژوهی، تصاویر آینده، تصویرپردازی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد آینده‌پژوهی، دانشگاه اصفهان، اصفهان (نویسنده مسئول). Za.heidari@gmail.com  
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان. Z.majidifar59@gmail.com  
۳. دانش‌آموخته دکتری و پسادکتری آینده‌پژوهی، پژوهشگر مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور  
rezayan@nrsp.ac.ir

## مقدمه و بیان مسئله

زنان و مردان متولد دهه شصت در شرایط خاص پس از انقلاب و جنگ متولد شدند و مسائل زندگی آنان به نوعی منطبق با فراز و فرودهای انقلاب اسلامی بوده است. طبیعی است که این افراد جزئی از کنشگران اصلی انقلاب محسوب نمی‌شوند، اما از بزرگ‌ترین وارثان انقلاب، پس از جنگ به‌شمار می‌آیند. این افراد در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا پایان ۱۳۶۹ متولد شده‌اند که شامل ۸ میلیون و ۴۸۳ هزار و ۸۹۳ مرد و حدود ۸ میلیون و ۳۱۸ هزار و ۱۵۳ نفر زن می‌شوند و بالاترین سهم را در کل جمعیت کشور دارند؛ به این ترتیب که متولدین دهه سی و قبل از آن ۱۳ درصد، متولدین دهه چهل حدود ۱۱ درصد، متولدین دهه پنجاه ۱۶ درصد، دهه شصت بیش از ۲۱ درصد، دهه هفتاد حدود ۱۵ درصد، دهه هشتاد کمی بیش از ۱۵ درصد و دهه نود حدود ۹ درصد هستند (مرکز ملی آمار ایران، ۱۴۰۰). تمامی این داده‌ها حاکی از وزن و اهمیت متولدین دهه ۶۰ در آینده، به‌ویژه در ۱۰ تا ۲۰ سال آتی، است و نشان می‌دهد که این نسل در مسند تصمیم‌گیری و کنش‌های اساسی اجتماعی خواهند بود. با این حال به نظر می‌رسد متولدین این دهه، عموماً به گوشه‌ای از میدان اجتماع و سیاست رانده شده و آن‌گونه که باید جهت رشد و پیشرفت مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

نسل انقلاب، به این دلیل که پیش‌برنده بسیاری از جریان‌ها و حوادث مهم آن سال‌ها بوده‌اند، در سنین جوانی مورد اعتماد قرار گرفته و مناصب دولتی را تصاحب کرده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد در مجموع در مدت یازده دوره تشکیل دولت‌های پس از انقلاب، متوسط سنی کابینه، ۱۹ سال افزایش یافته که تقریباً به اندازه تولید یک نسل است (ایرنا، ۱۳۹۶)؛ بنابراین به نظر می‌رسد متولدین دهه شصت<sup>۱</sup>، با توجه به سهم اندکی که از مسئولیت‌های کلان و به تبع آن مسئولیت‌های خرد کشور دارند، بیش از آن که فرصت تأثیرگذاری و کنشگری داشته باشند، تسلیم و تأثیرپذیر تصمیمات نسل‌های قبل بوده‌اند. زنان متولد این دهه نیز تحت تأثیر این شرایط هستند.

در برنامه‌ریزی جهت تحقق یک آینده مطلوب، توجه به همه کنش‌گرانی که به نوعی در آن آینده نقش دارند، ضروری است. زنان و دختران متولد دهه شصت جزء کنشگران اجتماعی آینده مطلوب جمهوری اسلامی ایران هستند و انجام پژوهش‌هایی که نگاه این گروه را به آینده خود بررسی کند، ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه:

۱. علاوه بر توصیف شرایط پیش‌گفته درباره متولدین این دهه، به صورت خاص برای زنان این دهه، از یک سو شعار توجه به حقوق زنان تبدیل به یک مستمسک سیاسی و انتخاباتی شده و از سوی دیگر بی‌عملی دولت‌های پس از انقلاب به این شعارها و نگاه ویتروینی آنها به مقوله زن آشکار شده است. این مسئله می‌تواند نقطه‌ضعفی برای سیاستمدارها باشد.
۲. کلان‌روندهای آینده، نشان از حرکت دنیا به سمت آینده‌ای زنانه دارد (Hedorfer &

۱. برای توصیف تعداد زیاد آنها از اصطلاح انفجار جمعیت استفاده می‌شود.

(Schultze 2014: 28)؛ به این معنی که نقش و اثرگذاری زنان در جامعه افزایش خواهد یافت و از آنجا که ماهیت کلان‌روندها تأثیر همه‌جانبه بر زندگی و آینده کل دنیا دارد، این احتمال هست که آینده ایران و جمهوری اسلامی نیز، آینده‌ای توأم با افزایش قابل توجه نقش و جایگاه زنان در جامعه باشد.

۳. از سوی دیگر با توجه به کاهش نرخ رشد جمعیت و رشد روند پیری جمعیت، پنجره فرصت‌های جمعیتی<sup>۱</sup> ایران از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۴۰، باز است. طبق گزارش جمعیت‌شناسان سازمان ملل متحد، ایران هم‌اکنون در دوران پنجره طلایی جمعیت به‌سر می‌برد و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در دوره‌ای که پنجره جمعیتی باز است، بسیار حساس و کلیدی است. از آنجا که حدود هفتاد درصد جمعیت کشور بین ۱۵ تا ۶۵ سال دارند، استفاده درست از این شرایط می‌تواند جهشی در تمام عرصه‌ها برای ایران ایجاد کند (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶)؛ بنابراین زنان به‌متابۀ نیمی از کنشگران پنجره فرصت‌های جمعیتی در تحقق آینده ایران، بازیگران کلیدی خواهند بود.

۴. زنان نیمی از پیکره جامعه هستند و در تولید و بازتولید فرهنگ، در حساس‌ترین بازه سنی نسل آینده، یعنی کودکان بین صفر تا ۶ سال، نقش کلیدی دارند. زنان متولد دهه شصت کنشگران جوان و شاید بتوان ادعا کرد از مؤثرترین کنشگران در زمان حال هستند؛ زیرا وزن جمعیتی زنان این دهه نسبت به سایر زنان بیشتر است و احتمالاً نسل مؤثر بعدی، محصول تربیت آنان خواهد بود.

با فرض افزایش نقش و وزن زنان دهه شصت در ساخت آینده کشور، لازم است تا چگونگی این اثرگذاری بررسی و شناخته شود. تصویر به‌عنوان یکی از چهار جزء اصلی سازنده آینده، وزن قابل توجهی در ساخت آینده دارد که شناخت آن می‌تواند برخی خطوط مهم آینده را مشخص کند. تصاویر ذهنی نشان‌دهنده احتمال کنشگری و کم‌وکیف آن در آینده هستند. افراد اغلب براساس تصاویری که نسبت به آینده دارند، تصمیم می‌گیرند و اقدام می‌کنند. به دلایلی که ذکر شد، در این پژوهش به‌صورت خاص، «بلوک‌های سازنده تصاویر ذهنی زنان دانشگاهی متولد دهه شصت از آینده» استخراج و تحلیل می‌شود. به این ترتیب پرسش اصلی پژوهش عبارت است از:

تصاویر ذهنی زنان و دختران متولد دهه شصت، از آینده چه‌ها هستند و این زنان چه نقشی برای خود در این آینده متصورند؟

۱. طبق گفته‌های جمعیت‌شناسان سازمان ملل متحد، پنجره فرصت‌های جمعیتی یک کشور را می‌توان با شناسایی سال‌هایی که در آن درصد کودکان (بین صفر تا ۱۴ ساله) در کل جمعیت کمتر از ۳۰ درصد است و نسبت سالمندان (۶۵ سال و بالاتر) کمتر از ۱۵ درصد است، تعریف کرد.

## چارچوب نظری

تصاویر آینده نشان‌دهنده انتظارات، پیش‌بینی‌ها، بیم‌ها و امیدهای انسان برای آینده است (33: Kaboli&Tapio 2018). آینده‌پژوهان تصاویر آینده را یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای کنونی انسان می‌دانند؛ زیرا افراد تلاش می‌کنند خود را با آنچه به‌گمان آنها اتفاق خواهد افتاد، سازگار کنند یا به‌گونه‌ای رفتار کنند که آینده دلخواه خود را بسازند (Bell 2003: 38). فردریک پولاک در کتاب خود با عنوان *تصاویر آینده* (۱۹۷۳) برای اولین بار با نگاهی تاریخی، فلسفی و اجتماعی به بررسی نقش تصاویر آینده در فرهنگ‌های گوناگون و در طول تاریخ بشریت پرداخته است. او تصاویر مثبت از آینده را نشانه‌ی نشاط و شکوفایی فرهنگی روبه‌رشد در آینده می‌داند و تار شدن تصاویر مثبت را مقدمه‌ی نابودی فرهنگ جامعه می‌شمارد. تبیین ایجاد تغییرات موفقیت‌آمیز در تصاویر آینده از دغدغه‌های پولاک در این کتاب بوده است. پولاک معتقد است تصاویر آینده یکی از ابزارهای انسانی برای مقابله با عدم قطعیت‌های آینده هستند و تحت تأثیر نگرانی‌های اجتماعی و سیاسی در زمان حال مانند جنگ، فقر، خشونت و تکنولوژی قرار می‌گیرند (Polak 1973: 5).

تصویر یک گزاره مستدل نیست، بلکه اشاره به چیزی مهم دارد یا از آن خبر می‌دهد؛ درواقع عکسی است که توجه ما را به یک ویژگی مهم جلب می‌کند. تصویر می‌کوشد تا واقعیت پیچیده‌ای را ساده‌سازی کند، بر آن اثر بگذارد و آن را مشخص سازد. تصاویر آینده را می‌توان به دو سطح فردی و اجتماعی (جهانی، ملی، سازمانی یا حتی خانوادگی) تقسیم کرد. تصاویر فردی از آینده، نشان می‌دهد افرادی که درباره‌ی آینده می‌اندیشند، بیش از آنهایی که تکامل یافته‌اند که بدون هدف و بدون توجه به فردا لحظه‌ها را سپری می‌کنند. در سطح اجتماعی، تصاویر آینده به درک تغییرات اجتماعی کمک می‌کنند؛ زیرا می‌توانند به غلبه بر موانع فرهنگی یا اجتماعی پیش روی تغییر کمک کنند (Taheri 2018: 51). Demneh & Morgan (2018)؛ بنابراین تصاویر آینده با ایجاد باور عینی درباره‌ی امکان‌های آینده، می‌توانند تاریخ آینده را بسازند و منجر به تلاش جمعی و شکل‌گیری هویت مشارکتی شوند (رضایان قیه‌باشی و کاظمی ۱۳۹۳: ۱۷۶-۱۷۷). در همین راستا تأکید می‌شود اگرچه آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، می‌توان ادعا کرد که تاریخ، صعود و نزولی را دنبال می‌کند که با تصویر آینده مرتبط است؛ بنابراین در تاریخ‌های آینده، افراد پس از تصور دیدگاه‌های خود، راهبردهایی برای چگونگی به‌واقعیت پیوستن این دیدگاه‌ها ایجاد می‌کنند و از خطوط تاریخی امیدهایی برای تغییر آینده به‌دست می‌آید (عنایت‌الله ۱۳۸۸: ۳۹۱).

تصاویر آینده را می‌توان از کنارهم قراردادن تصاویر خردتر و جزئی‌تر به‌عنوان سلول‌ها یا بلوک‌های سازنده آنها ساخت، به‌گونه‌ای که هر سلول جزئی از کلان‌تصویر به‌شمار آید و به‌مثابه تکه‌ای از پازل و به این ترتیب فهم تصویر کلان ساده‌تر باشد (پورعزت ۱۳۸۹: ۱۲). این پژوهش به‌دنبال استخراج سلول‌ها یا بلوک‌های سازنده تصاویر ذهنی زنان دانشگاهی دهه شصت از آینده است تا با کنار هم قراردادن آنها بتوان تصویری کلی از ذهن زنان دهه شصت به‌دست آورد. تأکید می‌شود این تصاویر به‌خودی‌خود قادر

به تغییر جهان و تنها عامل تعیین‌کننده آینده نیستند. اساس چهارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش از کتاب تصویرپردازی پولاک و مقاله جیمز دیتور است. دیتور با بررسی اجزا و عناصر سازنده آینده، به این نتیجه می‌رسد که تصویر یکی از چهار عنصر اصلی سازنده آینده است و پولاک با بررسی تصاویر ذهنی و الگوی شناخت این تصاویر درمی‌یابد که تصویر نقش و وزن مهمی در شناخت و ساخت آینده دارد.

### پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش مقالاتی است که به آینده مسائل زنان در ایران پرداخته‌اند؛ طاهری دمنه و حیدری دارانی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای آینده‌پژوهانه به کشف کلان‌روایت‌های شکل‌دهنده تصاویر آینده در ذهن دختران دانشجوی متولد دهه ۱۳۷۰ پرداخته‌اند. آنها با استفاده از روش‌های کیفی تحلیل مضامین روایت، ۸ کلان‌روایت از آینده از ذهن دختران متولد دهه ۱۳۷۰ استخراج کرده‌اند که این کلان‌روایت‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: ۱. گام‌های کوچک و تغییرات تدریجی؛ ۲. گذر از زندگی سنتی به زندگی مدرن؛ ۳. اجتماع بی‌آینده؛ ۴. رنگ من؛ ۵. بهشت وطن؛ ۶. سهم‌خواهی زنانه؛ ۷. آینده بی‌جنسیت و ۸. همیشه مادر. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که هرچند مصاحبه‌شوندگان مانند اکثر جوانان دنیا با دو مقوله ناامیدی اجتماعی و فردگرایی به‌عنوان تصاویر منفی از آینده مواجه‌اند، سه روایت آینده بی‌جنسیت، پذیرش نقش مادری و تصویر مثبت از آینده ایران نشان‌دهنده نقش سازنده زنان متولد دهه هفتاد در آینده کشور است.

درویشی و همتی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با اتکا بر روشی توصیفی پیمایشی روند حضور زنان در عرصه سیاست ایران در دهه آینده و سناریوهای چهارگانه آینده فعالیت زنان ایرانی را در عرصه سیاست بررسی کرده‌اند. این سناریوها «حضور کم‌رنگ و کم‌اثر زنان»، «تحول نهادی و شکل‌گیری الگوی سکولار مشارکت در ایران»، «پیشتازی زنان با ایجاد فرصت‌های برابر سیاسی، اقتصادی و رفع نارسایی‌های فرهنگی اجتماعی» و «ارتقای وضع فعلی مشارکت زنان» نام گرفته‌اند. درنهایت نویسندگان این مقاله نتیجه می‌گیرند که نمی‌توان روند ده سال آینده فعالیت زنان در عرصه سیاست را حضوری صرفاً کم‌رنگ و کم‌اثر دانست، بلکه رشد تدریجی مشارکت آنان محتمل و مطابق با واقع خواهد بود و ظهور و بروز سناریوی چهارم را محتمل‌ترین گزینه می‌دانند.

احسانی و انعامی (۱۳۹۰) روندهای شکل‌دهنده به آینده سوء مصرف مواد مخدر در جامعه و شگفتی‌سازهای این حوزه در آینده را معرفی و در ادامه جایگاه و نقش پلیس زن را در جهان و سپس در ایران تشریح می‌کنند. آنگاه با تمرکز بر زنان جامعه، چه به‌عنوان مجرم و چه به‌عنوان قربانی درگیر پدیده مواد مخدر، به تشریح نقش پلیس زن در آموزش، پیشگیری و مقابله با این پدیده در آینده کشور می‌پردازند. درانتها ایفای نقش و مأموریت‌های پیشنهادی برای پلیس زن ایران را در آینده به تحولاتی در ساختار ناجا و به‌طور خاص در پلیس مبارزه با مواد مخدر وابسته دانسته‌اند.

پولاب و پیشگاهی فرد (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای در زمینه وضعیت‌سنجی آموزش زنان در کشورهای خاورمیانه با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و با تعیین جایگاه کشورها نسبت به یکدیگر، جایگاه آنها را براساس شاخص‌های توسعه جنسیتی و از طریق تکنیک‌های تجزیه و تحلیل سری‌های زمانی برای سال ۲۰۲۵ محاسبه کرده‌اند. طبق این بررسی، جمهوری اسلامی ایران از نظر آموزش زنان در سال ۲۰۲۵ خواهد توانست از میان بیست‌ودو منطقه خاورمیانه رتبه سیزدهم را به خود اختصاص دهد.

پیشگاهی فرد و پولاب (۱۳۸۸) در مقاله‌ای دیگر به بررسی آینده وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاورمیانه، با تأکید بر جایگاه ایران در افق ۱۴۰۴، می‌پردازد. آنها در این مقاله با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای، طی یک دوره ۳۵ ساله، وضعیت اشتغال زنان را در کشورهای منطقه خاورمیانه مقایسه می‌کنند و با استفاده از تکنیک سری‌های زمانی، چشم‌انداز اشتغال زنان منطقه، به‌ویژه ایران، را در سال ۱۴۰۴، به تصویر می‌کشند. این پژوهشگران نتیجه می‌گیرند زنان ایران می‌توانند از امکانات شغلی مناسب‌تری نسبت به منطقه بهره‌مند شوند و در رتبه پنجم منطقه قرارگیرند و با توجه به روند رشد شاخص نسبی اشتغال زنان، دستیابی ایران به رتبه اول یا دوم خاورمیانه قابل انتظار خواهد بود.

نوروزی (۱۳۸۱) در مقاله خود مدلی برای تبیین نرخ مشارکت اقتصادی زنان شهری و تحولات آینده ارائه کرده و مهمترین عامل مؤثر بر احتمال مشارکت زنان شهری در بازار کار ایران را سطح تحصیلات آنان می‌داند. او افزایش سهم زنان دارای مدارج آموزش عالی، بالارفتن سن ازدواج و افزایش سهم نسبی دختران مجرد از جمعیت زنان را از عوامل مؤثر در افزایش نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال‌های آینده برشمرده است. براساس پژوهش او، کاهش قدرت خرید و تغییر ساختار سنی جمعیت و افزایش نرخ بیکاری جزء مؤثرترین اهرم در جهت تغییر نرخ مشارکت زنان شهری است.

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی و با استفاده از شیوه تحلیل مضمون<sup>۱</sup> است. روش‌های پژوهش کیفی برای نشان دادن افکار و نیات مردم نسبت به فعالیت‌ها، وقایع خاص و درک روندهای پیچیده اجتماعی مناسب و مفید هستند (Shahid 2014: 2). تحلیل مضمون برای توصیف عینی و منظم محتوای آشکار متون به‌کار می‌رود. تحلیل مضمون به‌دنبال پاسخ به این پرسش است که داده‌ها چه می‌گویند و در واقع به‌دنبال مدل‌سازی داده‌هاست (Ghasemi & Rasekh 2020: 23).

این پژوهش با مطالعات کتابخانه‌ای درباره تصاویر آینده آغاز، و سپس با مطالعه پژوهش‌های پیشین و استفاده از نظر خبرگان در این حوزه و طرح پرسش‌هایی در زمینه مطالعات آینده انجام شد. داده‌های

این پژوهش از طریق مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته، در میان استادان زن متولد دهه شصت، در شهر اصفهان و از نمونه در دسترس، با تخصص‌های متفاوت دانشگاهی جمع‌آوری شدند. پرسش‌های این پژوهش در دو فاز دسته‌بندی شدند؛ فاز اول پرسش‌هایی که به استخراج تصاویر عام مشارکت‌کنندگان از آینده مربوط بود و فاز دوم پرسش‌هایی که بر مولفه «سهام جنسیت در قدرت آینده» تأکید داشت، به گونه‌ای که از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا در جایگاه «زنی که در آینده صاحب قدرت است» و یا سمتی در دولت<sup>۱</sup> آینده دارد، رؤیای پردازانه به پرسش‌ها پاسخ دهند. مشارکت‌کنندگان از میان استادان زن دانشگاه‌های شهر اصفهان و از نمونه در دسترس و در رشته‌های متفاوت انتخاب شدند و فرآیند مصاحبه تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. در کل ۱۵ مصاحبه در این تحقیق انجام شد. پس از طی مراحل کدگذاری، در مجموع ۲۳ مضمون سازمان‌دهنده و در نهایت ۶ مضمون فراگیر که بلوک‌های سازنده تصاویر آینده هستند، استخراج و معنابخشی شدند. به منظور افزایش پایایی و اعتبار پژوهش، کدگذاری اولیه بلافاصله پس از انجام هر مصاحبه انجام می‌شد و در صورت لزوم برخی برداشته‌های اولیه با فرد مصاحبه‌شونده چک می‌شد. همچنین فرآیند تحلیل مضمون با مشارکت هرسه محقق انجام می‌شد و درصد توافق بررسی و مورد بحث قرار می‌گرفت تا اعتبار آن تقویت شود.

## یافته‌های پژوهش

در جدول ۱، مضمون‌های فراگیر و مضامین سازمان‌دهنده‌ای که نمایانگر تصاویر آینده در ذهن زنان است، مشاهده می‌شوند. در این پژوهش، ۶ مضمون فراگیر استخراج شد که هر کدام دارای چندین مقوله سازمان‌دهنده هستند. در ادامه شرح مضامین یا به عبارت دیگر شرح هر تصویر و قسمت‌های مختلف تشکیل‌دهنده آن آورده شده است.

جدول ۱. بلوک‌های سازنده تصاویر آینده برگرفته از مضمون‌های فراگیر و سازمان‌دهنده حاصل از

### فرآیند تحلیل مضمون

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده (مقوله)
۱	در انتظار بهترین آینده	منتظر منجی
		کنش منفعلانه، عاملیت خودناباورانه
۲	آینده جنسیتی	زنان خاطراتی از آینده
		دولت‌زنان توانا
		شیء‌شدگی زنانگی
		همچنان خانواده مادری

۱. منظور از دولت آینده در این پژوهش دولت به‌ماهو دولت است و به معنای دولت خاصی در سال معینی نیست.

امید به آینده‌ای با محیط زیست سالم	عصر انسان	۳
ادامه آنتروپوسن		
بهشت اقتصادی	دولت من	۴
تربیت به مثابه سیاست		
تحول‌خواهی آموزشی		
جامعه بی طبقه		
بند «شین»		
دولت دینی		
من دوست دارم		
مرگ خاموش	آینده‌ای که نمی‌خواهیمش	۵
اقتصاد بیمار		
احساس فساد اجتماعی		
آینده رسمی و غیررسمی		
دنیای بدون عزیزان	بی‌آیندگی اجتماعی	۶
استعمار آینده		
حال‌زدگی اجتماعی		

### تصویر ۱. در انتظار بهترین آینده

این مضمون نمایانگر تصاویر به‌ظاهر مثبتی از آینده است، اما نوعی انفعال و ردپایی از بی‌کنشی یا کم‌کنشی در زمان حال در خود نهان دارد. مقولات این مضمون «منتظر منجی» و «کنش منفعلانه، عاملیت خودناباورانه» است.

### منتظر منجی

گزاره کلامی: «من دلم می‌خواهد امام عصر بیاید و مشکلات را خودش حل کند. یکسری چیزها - مخصوصاً زمانی که بحث داعش در سوریه و عراق خیلی داغ بود و خبرهایش گه‌گاه از این‌طرف و آن‌طرف می‌رسید - من احساس می‌کنم که دیگر از توان بشر خارج است. یک نیروی فوق بشری می‌خواهد».

همان‌طور که از گزاره کلامی بالا پیداست، زنی که منتظر منجی است، به اصلاح امور در آینده ازسوی یک منجی یعنی امام عصر امید دارد و نقشی برای خود در وقوع این آینده نمی‌بیند. او آن‌قدر شرایط کنونی جامعه ایرانی و یا حتی جهانی را سیاه می‌بیند که خود را ناتوان از ایجاد تغییر می‌شمارد و ترجیح می‌دهد منتظر یک ناجی باشد و از نظر خود، این انتظار را در میانه بی‌اعتقادی‌های فراگیر در جامعه، مقدس می‌شمارد و به آن افتخار می‌کند.



## کنش منفعلانه، عاملیت خودناپاورانه

گزاره‌های کلامی: «نه من چنین چیزی برای خودم نمی‌بینم که من خیلی تأثیرگذار باشم و بتوانم یک مسیری را باز کنم. در حد مثلاً بچه‌های مدرسه هم در حد کوچک، شاید در حد اطلاع‌رسانی. شاید مسئله‌ای آدم به ذهنش برسد، یک سری چیزها را روشن‌گری کند.» «خودم را عامل تغییر در جامعه نمی‌دانم. اصلاً به‌هیچ‌وجه... من که معلم هستم... نه‌نهایتاً روی ۵ نفر بتوانم تأثیر بگذارم.» «من به‌عنوان یک استاد دانشگاه فکر می‌کنم می‌توانم تأثیرگذار باشم. تمام تلاش‌م را هم می‌کنم... ولی... آن قدر نمی‌توانم.»

این تصویر از کم‌کنشی یا کنش با دایره تأثیر بسیار کوچک حکایت دارد. در نظر این زنان، نهایت عاملیت تأثیر بر روی تعداد کمی از دانشجویان یا اطرافیان خود است. نوعی خلع سلاح در برابر آینده در این تصویر وجود دارد، طوری که صاحبان این تصویر به قدرت گرفتن و پرورش یافتن خود برای رسیدن به جایگاهی کلان و تأثیرگذاری از طریق آن، فکر هم نمی‌کنند.

## تصویر ۲. آینده جنسیتی

این تصویر شامل ۵ بخش یا مقوله «زنان خاطراتی از آینده»، «دولت‌زنان توانا»، «شیء‌شدگی زنانگی»، «همچنان خانواده» و «مادری» است. «آینده جنسیتی» تصویرگر آینده‌ای است که در آن زنان خود را بازیگر می‌دانند. از بازیگری کم، یعنی تشابه حقوق زن و مرد که دیگران باید آن را رقم بزنند، تا رسیدن به قدرت حکمرانی.

## زنان خاطراتی از آینده

گزاره کلامی: «زنان، به‌اندازهٔ مردها پیشرفت می‌کنند. یعنی از یک قشر خانه‌دار که فقط به فکر آشپزی و بچه بزرگ‌کردن هستند، این‌جوری دیگر نیست، قشنگ برای خودشان شغل پیدا می‌کنند، هرکسی یک رسالتی دارد، انجامش می‌دهد و واقعاً حقوق اساسی خودشان را پیدا می‌کنند.»

این بخش از تصویر آینده جنسیتی، مربوط به آینده‌ای است که در آن زنان از یک موقعیت خانه‌داری و امور خانوادگی به جایگاه تأثیرگذاری اجتماعی و اقتصادی خواهند رسید. این تصویر ریشه در فرادست شمردن جایگاه مردان به‌واسطهٔ حضور آنان در ساحت‌های سیاسی و اجتماعی و کم‌شمردن خانه‌داری زن دارد، طوری که با شغل بیرون از خانه، هویت ازدست‌رفتهٔ زن به او برخواهد گشت. به این ترتیب رسالت زنان که مانند رسالت مردان تعریف شده، انجام خواهد شد.

این تصویر گویای آن است که زنان به‌دنبال قطع پیوندهای زندگی روزمرهٔ خود از اندیشه‌های پیشامدرن و سنتی هستند و معتقدند گفتمانی که زن را تنها در خانه و محصور در نقش‌های خانوادگی

تعریف می‌کند، گفتمان مقبول و کارآمدی نیست و حتی آنها را از حقوق اساسی خود دور می‌کند. آنان در برابر این گفتمان مقاومت می‌کنند و می‌خواهند هویت و اثرگذاری خود را تنها از جهت نقش‌ها و منزلت‌های اجتماعی بازیابند.

## دولت‌زنان توانا

گزاره کلامی: «زنان به‌سمت مدیریت کلان کشور می‌روند، الآن هم هستند. در کمتر از نیم‌قرن ما رئیس‌جمهور زن خواهیم داشت، باید اجازه بدهند که زن‌ها نقش داشته باشند. خانم‌ها هر جایی وارد شدند فساد ایجاد نکردند». «به‌نظر من به نفعش (دولت) می‌شود و باید این امکان فراهم شود که در کنار مردان زنان هم نقش داشته باشند در دولت. چون زن‌ها دقیق‌ترند. ببینید وقتی یک زن رئیس‌جمهور بشود، نسبت به مرد، از نیازهای خانواده و جامعه بیشتر اطلاع دارد».

مقوله «دولت‌زنان توانا» مربوط به تصویری خوش‌بینانه، اما متکی به خواست و اراده مردان از آینده است که در آن زنان نه‌تنها توانایی دارند در مناصب کلان و بالای اجتماعی و سیاسی قرار گیرند، بلکه ضروری است که به این مناصب برسند و این خود باعث بهبود روندهای حاکمیتی در کشور خواهد شد، اما این جایگاه با بازشدن مسیر از جانب مردان به‌دست خواهد آمد، نه صرفاً با اتکا به شایستگی زنان. به این معنی که جزئی‌نگری زنان در امور مختلف، به آنان در انجام مسئولیت‌های کلان سیاسی اجتماعی «کمک» خواهد کرد. زنان به اجرای قانون تقید بیشتری دارند و می‌توانند کشور را به سمت قانون‌مندی بیشتر پیش ببرند. صاحبان این تصاویر بیشتر منتقد وضع موجودند و از بی‌قانونی و هرج‌ومرج پنهان در امور کشور رنج می‌برند و از جمله راه‌های برون‌رفت از این وضعیت را در حاکمیت زنان بر امور کلان کشور می‌دانند.

## شیء‌شدگی زنانگی

گزاره کلامی: «آینده‌ای که پیش روی زن‌هاست... الآن زن‌های ما فقط به فکر چیزهای دیگرند. الآن فقط خانم‌ها منتظر این هستند که به‌قول خودشان... حجاب را محدود و محدودتر کنند، فقط فکر این هستند که زیبایی خودشان را نمایان کنند، این بد است». «آینده زنانه... ایران یک جامعه سنتی است. خودشان خیلی می‌گویند که ما پیشرفت کردیم و مدرن هستیم، ولی باز هم همان‌هایی هستند که سنتی رفتار می‌کردند. هنوز مردها می‌خواهند بگویند که قدرت دست ماست. نه نمی‌شود». «هم افراط و تفریط در این زمینه وجود دارد یک دسته از خانم‌ها دارند زن بودن خودشان را انکار می‌کنند. دارند به‌عنوان یک مرد در جامعه اهر می‌شوند. بعضی از خانم‌ها دارند زن بودنشان را برجسته می‌کنند یا با آن کسب درآمد می‌کنند یا دارند از طریق آن سوءاستفاده می‌کنند. فکر می‌کنم که در کل دنیا یک‌جوری دارد می‌شود که دارند از زن بودن سوءاستفاده می‌کنند». «در آینده وضعیت بدتر می‌شود و

بیشتر از زنان سوءاستفاده می‌شود. به ما به‌عنوان یک انسان نگاه نمی‌شود، نگاه جنسیتی را قبول ندارم. در نگاه جنسیتی فقط به‌عنوان زن به یک خانم نگاه می‌کنند، نه به‌عنوان یک انسان.»

این مقوله به مفهوم بسیارمهم شیء‌شدن زن، اشاره دارد. شیء‌شدگی فقط در مفهوم کالا و بازار جریان ندارد، بلکه در روابط انسانی و اجتماعی و مسائل زنان هم می‌تواند ظاهر شود. آنچه اکنون می‌توان دید و از این گزاره می‌توان استنباط کرد این است که زنانگی زن در ویژگی‌های انسانی و شخصیتی او دیده نمی‌شود و در نگاه اول ویژگی‌های ظاهری او اهمیت دارد. بدن زنانه، ظاهر جذاب، زیبایی و فریبایی از خصوصیات اصلی تعریف و هویت‌بخشی به یک زن هستند. فراگیری جراحی‌های زیبایی، فراوانی آگهی محصولاتی که به‌منظور بهبود وضع ظاهری زنان تولید می‌شوند، مثل لوازم آرایشی و... غذاهای رژیمی و حتی ورزش کردن، تنها با هدف تناسب اندام، استفاده از زنان جذاب و زیبارو در امور تجاری و بازرگانی برای فروش بیشتر و کسب سود بالاتر، اهمیت بیش‌ازاندازه به تن به شکل‌های مختلف در میان خود زنان، بیش‌ازپیش نشان از شیء‌وارگی بدن زنانه دارد. به این ترتیب زن به شیئی برای دیگری و وسیله‌ای برای کسب لذت تبدیل شده است.

این نگاه ابعاد مختلفی دارد، براساس مناسبات نابرابر اجتماعی و اقتصادی و همچنان مسلط بودن فرهنگ پدر و مردسالار، شیء‌وارگی زن و زنانگی در ابعاد مختلفی چون تعریف و هویت زن، نقش‌های اجتماعی و منزلت و شئون اجتماعی و حتی خصوصیات مختلف زنانه بروز یافته است. تا جایی که خود زنان نیز به غلط باور کرده‌اند که خصوصیات مثل حسادت، تجسس، بخل، ضعف، احساسات افسارگسیخته، زیاد حرف زدن و... از خصوصیات ذاتی آنان است و نه اکتسابی. درمقابل، از این گزاره می‌توان استدلال کرد که مردان بیشتر با اعتمادبه‌نفس، عاقل، باقدردن و بااراده، موفق و ناجی زندگی زنان به‌شمار می‌آیند. به این ترتیب زن را تنها می‌توان با خصوصیات جسمی‌اش تعریف کرد و بروز کارکردهای خانوادگی و اجتماعی خاصی نیز از او نمی‌توان انتظار داشت.

در مرحله اول این ذهنیتی است که خود زنان از خود دارند؛ بنابراین آینده‌ای که پیش روی زنان است، آینده‌ای مبهم و تاریک است که در آن زنانگی زنان یک مؤلفه منفی به‌شمار می‌رود. در این تصویر، نگاه جنسیتی به زن، هم ازسوی خود زنان و هم ازسوی مردان، به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد امور در سطوح مختلف جامعه غلبه خواهد داشت. به این ترتیب که مردان و نیز برخی از زنان، مدیریت کلان زن را نمی‌پذیرند و مدیریت در مناصب بالای اجتماعی و سیاسی را کاری مردانه می‌پندارند. زن جنس دوم است و شخصیتی مستقل از همسر ندارد و تنها زمانی دارای هویت است که ازدواج کرده باشد.

بعد دیگر این تصویر این است که برای ظاهرسازی و فریب زنان در راستای تحقق برابری حقوق زن و مرد، برخی مردان مشاغلی را به زنان واگذار می‌کنند، اما حقوق کمتری به آنان می‌پردازند. به‌عبارت بهتر زنان در انجام کارها برابر مردان وقت می‌گذارند، اما از نظر مالی دریافتی کمتری خواهند داشت که البته این ادامه روندی است که اکنون نیز وجود دارد. همچنین برخی زنان برای بروز و ظهور اجتماعی،

مؤلفه‌های حیا و حجاب را رعایت نمی‌کنند و این روند در آینده ادامه خواهد داشت و باعث سوءاستفاده بیشتر و شی‌ءوارگی بیشتر زنان خواهد شد؛ بنابراین در این تصویر، آینده‌ای که در آن زنان بتوانند در رفع مشکلات کشور در سطح خرد و کلان سهیم باشند، محقق نخواهد شد و وضع کنونی که مشخصه آن نبود اطمینان به زنان و سوءاستفاده جنسیتی از زن است، ادامه می‌یابد. اوضاع وخیم‌تر خواهد شد و با ادامه این روند زنان از آینده، سهمی درخور شأنشان نخواهند داشت.

## همچنان خانواده

گزاره کلامی: «خانواده، ... راستش حال خوبی ندارد و به‌نظرم حال خوبی هم نخواهد داشت، ولی مهمترین رکن جامعه هست و خواهد بود همچنان». «خانواده که خیلی مهم است، ولی در آینده به‌نظرم چیزی از آن به این شکل نمی‌ماند. البته الآن هم به‌شکل سنتی چیزی ازش نمانده، ولی خیلی مهم است، به‌خصوص مهم است که بچه آدم در چه خانواده‌ای بزرگ بشود و در آینده هم همین‌طور است». «همچنان خانواده» ناظر به تصویری از آینده است که در آن خانواده همچنان نقشی کلیدی در همه شئون زندگی مشارکت‌کنندگان دارد. با این‌که خانواده در زمان حال وضعیت مطلوبی ندارد، در آینده همچنان مهم است. در این تصویر از آینده، خانواده‌محوری همواره یک ارزش محسوب می‌شود و اولین نهاد مؤثر بر تربیت فرزند در آینده است.

## مادری

گزاره کلامی: «شخصیت آدم‌های مطلوب را زنان شکل می‌دهند. زن‌ها هستند که می‌توانند شوهرهایشان را تربیت کنند. بچه‌های خودشان را تربیت کنند». «وظیفه من بیشتر مربوط به بچه است که بچه‌ام را درست تربیت کنم». «وظیفه‌ای که زن دارد و مرد ندارد فکر کنم تربیت فرزند باید باشد که نقش آقایان در آن کمتر است، زن بچه را به دنیا می‌آورد و مسئول تربیتش است. تنها چیزی که خدا به زن محول کرده که بیشتر از آقایان است، همین است دیگر. خانم این توانایی را دارد». «نه مهد کودک‌ها، نه مدارس، نه حتی دانشگاه‌های ما، نمی‌توانند تربیتی روی فرزندان ما انجام بدهند. پس نتیجه می‌گیریم که من نوعی خودم باید دست‌به‌کار بشوم برای تربیت فرزندم». «اگر تمام وقتم را صرف کنم و یک فرزند خوب تربیت کنم، خیلی بیشتر از اینکه بخواهم در متن جامعه باشم، می‌توانم به جامعه کمک کنم».

در این بخش از تصویر آینده جنسیتی، وظیفه تاریخی زن از گذشته تا آینده تربیت فرزند است. مشارکت‌کنندگان به‌اتفاق این وظیفه را در آینده به‌عهده زن می‌دانند و آن را در شکل‌گیری آینده مطلوب کشور بسیار مهم و تأثیرگذار به حساب می‌آورند. همچنین این تصویر به‌نوعی نشان از ناامیدی از نهادهای عهده‌دار تربیت نسل جدید دارد و زنان را بهترین مرجع تربیت کودکان می‌شمارد. نقش زنان

در همراهی همسر و فرزندان و اثرگذاری غیرمستقیمی که به این ترتیب در تاریخ دارند، برای همگان غیرقابل انکار است. از طرف دیگر در این تصویر نوعی تضاد میان حضور اجتماعی زن و تربیت فرزند وجود دارد. مسئله مهمی که اکنون گریبان‌گیر جامعه زنان است و زنان برای حل آن از الگوهای متفاوتی استفاده می‌کنند، اما هنوز یک الگوی جامع همه‌جانبه‌نگر به دست نیامده است.

### تصویر ۳. عصر انسان

این تصویر ریشه در این تفکر دارد که رفتار کنونی ایرانیان تعیین‌کننده آینده محیط زیست است و نشان از تصویری دوگانه از آینده محیط زیست ایران در ذهن زنان دارد؛ تصویری که در نظر نیمی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش خوش‌بینانه و در نظر نیمی دیگر بدبینانه است. عصر انسان شامل دو مقوله «امید به آینده‌ای سالم» و «ادامه آنتروپوسن» است. در این مضمون، از واژه «انسان» استفاده‌ای کنایی شده است که در صورت نگاه خوش‌بینانه نشان از «آدمیت» دارد و در نگاه بدبینانه نماد «بشر مخرب» است.

### امید به آینده‌ای با محیط زیست سالم

گزاره کلامی: «در آینده ... همین هوایی که نفس می‌کشیم، هوا پاک‌تر می‌شود، آلودگی کمتر می‌شود». در این تصویر، رفتار کنونی انسان ایرانی نابودکننده محیط زیست کشور است، اما امید به بهبود رفتار کنونی انسان نسبت به محیط زیست وجود دارد.

### ادامه آنتروپوسن

گزاره کلامی: «بعید می‌دانم که تا ۲۰ سال دیگر آلودگی هوا بهتر بشود». از زمان آغاز انقلاب‌های صنعتی، یعنی حدود دویست و پنجاه سال پیش، انسان بر زمین و زندگی روی آن تأثیر گذاشته است که عواقب آن هر روز بیشتر آشکار می‌شود. ماهیت خاک، شیمی اقیانوس‌ها و جو، پرورش‌گزینه‌های مختلف و پراکنده شدن آنها در سراسر جهان، شرایطی را ایجاد کرده که هشداردهنده رسیدن عصر جدیدی به نام آنتروپوسن<sup>۱</sup> است (Folke & et al 2021: 834; Tickell & Crispin 2011: 926). این عصر را که در آن رفتار انسان بر همه شئون حیات کره زمین تأثیر مخرب گذاشته «عصر انسان» نیز می‌نامند. این مقوله شامل تصویری ویران‌شهری از آینده محیط زیست ایران است که در آن عصر انسان یا آنتروپوسن ادامه خواهد یافت. انسان رفتار کنونی خود را اصلاح نخواهد کرد و بر شدت تسلط خود بر محیط زیست خواهد افزود.

1. Anthropocene

## تصویر ۴. دولت من

«دولت من» تصویر آینده‌ذهنی زنان مشارکت‌کننده از دولت مطلوبی است که خود در رأس آن هستند یا مسئولیتی کلان در آن دارند و دارای ۸ مقوله است. این تصویر شامل مقولاتی از جنس دغدغه‌های اقتصادی، آموزش، تربیت، عدالت اقتصادی و اجتماعی، دخالت دین در ساحات مختلف دولت و نحوه اداره دولت مطلوب آنان است. بلوک‌های تشکیل‌دهنده تصویر «دولت من» نمایانگر نقد موشکافانه و تند مشارکت‌کنندگان این پژوهش نسبت به انفعال دیکته‌شده به نسل آنان در امور کلان کشور است.

## بهبشت اقتصادی

گزاره کلامی: «دولت من فشار اقتصادی را از روی دوش مردم برمی‌دارد. مردم احتیاج ندارند که ما به آنها صدقه بدهیم». «حقوق‌ها را ۱۰ برابر می‌کنم و تورم هم نخواهیم داشت». این مقوله شامل مطالبه یک آینده روشن از نظر رفاه اقتصادی از دولت مطلوب زنان را به تصویر می‌کشد. جامعه در اثر اقدامات دولت آنان به ثبات و رفاه اقتصادی رسیده، دیگر درگیر مشکلات اقتصادی نیست. این تصویر از آینده دولت مطلوب آنان ناشی از فشار شدید اقتصادی بر مردم در زمان انجام پژوهش و مؤید این واقعیت است که تصاویر آینده از وضعیت و مسائل مهم زمان حال تأثیر می‌پذیرند.

## تربیت به مثابه سیاست

گزاره کلامی: «دولت مسئول اصلی تربیت آدم‌هاست». «دولت باید (در تربیت دینی) نظارت مستقیم نداشته باشد، یعنی دخالت مستقیم در امور دینی نکند. امور دینی و معنوی باید تحت نظارت اهل فن در وزارتخانه اجرا بشود ... با تعیین رئیس و بودجه کافی ... اما افراد خبره باید اداره کنند». در این تصویر، دولت این زنان برای تربیت دینی و معنوی مردم برنامه دارند و آن را جزء سیاست‌های اصلی خود برای رسیدن به آینده بهتر قرار می‌دهند. آنها معتقدند که این وظیفه را با تعیین بودجه و استفاده از افراد خبره در مسائل دینی، به صورت غیر مستقیم انجام خواهند داد، ولی پذیرش این مقوله را به جامعه تحمیل نخواهند کرد.

## تحول خواهی آموزشی

گزاره کلامی: «آموزش در دولت من در آینده با سبک الآن فرق دارد، چون الآن سبک آموزشمان درست نیست. ... این که بچه‌ها به سمت حفظیات بروند، خوب نیست. همین باعث می‌شود که اصلاً نفهمند. نتوانند استفاده کنند». «نصف این چیزهایی که در مدارس ما هستند، چرت‌وپرت‌اند. چیزهایی

ما باید یاد بچه‌ها بدهیم که برایشان مفید باشد. مثلاً یک زبان زنده دنیا. قدرت تفکر... یک سبک ورزشی، ریاضی. خلاقیتشان را پرورش بدهیم، در این صورت بچه‌ها می‌توانند خیلی راحت خودشان برای خودشان کار تولید کنند و کمک همه جامعه باشند. منتظر نباشند که یکی از بالا برایشان کار تولید کند... آدم‌های زنده ایجاد کنیم. ما الآن نسلی هستیم که مثل مرده‌ها کار می‌کنیم».

این مقوله ناظر به نقد روش‌های آموزش فعلی در کشور و تصویرگر آموزش مطلوب در دولت فرضی مشارکت‌کنندگان این پژوهش است. این زنان در دولت خود آموزش مهارت‌های آینده‌گرا را در ذهن دارند، این مهارت‌ها عبارت‌اند از: ۱. خلاقیت؛ ۲. همکاری؛ ۳. برقراری ارتباط؛ ۴. تفکر انتقادی. همچنین آموزش ورزش و یک زبان زنده دنیا را از اولویت‌های آموزش در دولت متبوع خود می‌دانند.

### جامعه بی طبقه

گزاره کلامی: «در دولت من فقری وجود نخواهد داشت و همه با هم برابر هستند.» «در دولت من تبعیضی بین فقیر و غنی، خانواده مسئولان و مردم عادی وجود ندارد. به‌خاطر منافع یک نفر یا خانواده‌ش بقیه نابود نمی‌شوند».

جامعه بی طبقه، تصویری از شرایطی از برقراری عدالت در آینده را ترسیم می‌کند که در آن عدالت در همه زمینه‌های اجتماعی، آموزشی، سیاسی، اقتصادی و شغلی را دولت این زنان برقرار خواهد شد. منافع جمعی مردم بر منافع شخصی مسئولان اولویت دارد و شکاف طبقاتی میان فقیر و غنی از بین می‌رود. دولت آنها نیز از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری شرایط برقراری عدالت همه‌جانبه را فراهم خواهد کرد. این تصویر نوعی نقد به وضع موجود در نبود احساس عدالت در مسائل مختلف است.

### بند «شین»

گزاره کلامی: «خانواده‌م خیلی در پیشرفتم مؤثرند... اما جامعه... سد است. سد پیشرفت. برای اینکه یک‌سری آدم‌های نالایق آمدند جای آدم‌های لایق را گرفتند.» «برای شرایط هیئت‌علمی شدنم با اینکه دانشجوی دکترا بودم و خانم دیگری فوق لیسانس بود، فقط به صرف اینکه او متأهل بود و من مجرد، او انتخاب شد و به‌خاطر اینکه او پدرش و شوهرش آشنا داشتند و من پارتی نداشتم، کار هیئت‌علمی شدنم خیلی عقب افتاد. در دولت خودم کاری می‌کنم که این ظلم‌ها نباشد».

این مقوله بخشی از تصویری از دولت مطلوب زنان را نشان می‌دهد که در آن، نیروی انسانی دولت، فارغ از گرایش‌های سیاسی امروز و سیاست‌زدگی رایج به‌معنی امروزی، متعهد و متخصص است؛ بنابراین همه کارها به کارشناسان مربوط به خود محول می‌شود. از سوی دیگر، بند «شین»، ناظر به نقد وضع موجود در نبود شایسته‌سالاری و استفاده از بند «پ»، در اکثر شئون حکومت و جامعه است. تأکید بر این واقعیت که در شرایط کنونی، تحصیل‌کردگان نتیجه لازم را از میزان وقت صرف‌شده برای

تحصیل علم به دست نمی‌آورند. این بی‌نتیجه‌گی، هم در امور مالی و هم در دستیابی به جایگاه علمی و شغلی مناسب، وجود دارد.

## دولت دینی

این مقوله تصویری از دخالت دین در اداره امور به وسیله دولت مطلوب آینده در ذهن زنان است؛ تصویری از دولتی که با دخالت دین و طبق مصلحت و عرف، مبنای اداره امور کشور خواهد بود. گزاره کلامی: «دین نباید هیچ نسبتی با دولت داشته باشد ... دین و سیاست هیچ وقت با هم یک جا نمی‌گنجند، چون خراب می‌شود؛ مثل الآن مردم بدبین می‌شوند». «منطق تصمیم‌گیری در دولت براساس مصلحت باشد، یک جاهایی براساس عرف باشد، یک جاهایی براساس دین». همچنین در نظر تعداد دیگری از مشارکت‌کنندگان، حکمرانی و دین مقولاتی جدا از هم نیستند و هرکدام دیگری را نتیجه می‌دهد. البته عرف را هم می‌توان در نظر گرفت؛ زیرا عرف اکنون جامعه کاملاً ضد دین نیست؛ مانند گزاره کلامی زیر: «منطق تصمیم‌گیری در دولت باید دین باشد، چون دین اگر درست اجرا شود، دقیقاً صلاح جامعه را برعهده گرفته، پس عرف جامعه‌مان باید آن را پذیرا باشد».

## من دوست دارم

گزاره کلامی: «از نظر پوشش و وضع ظاهری، هرکسی هر جور خودش می‌داند». «به مردم آزادی انتخاب و بیان می‌دهم. حقوق زن و مرد را برابر می‌کنم. آزادی انتخاب مثلاً مثل خیلی کشورهای دیگر خانم‌ها می‌توانند توی حجابشان اختیار داشته باشند». «من اگر رئیس دولت باشم، دین را هم آزاد می‌گذارم». «من اگر رئیس دولت باشم، آموزش درست دین را در اولویت کار خودم قرار می‌دهم تا دینداری بیشتر در زندگی مردم دیده بشود و نتایج دینداری درست را در همه امور ببینند».

این مقوله از موارد مناقشه‌برانگیز در این مصاحبه‌ها بود؛ به این معنی که تقریباً نیمی از مشارکت‌کنندگان آزادی را دین‌محور و نیمی دیگر آزادی را بدون قید دین در نظر داشتند، طوری که برای نگارندگان این مقاله انتخاب تصویر غالب را در این حوزه دشوار می‌کرد. این مقوله به‌راستی نشان از تناقضات آشکار عرصه عمل و نظر در جامعه ایرانی در حال گذار امروز دارد. این مقوله از سویی نمادی از تصاویری از رفتار دولت مطلوب برخی از زنان است که در آن، هر انتخابی باید آزادانه انجام شود؛ آزادی در انتخاب دین، پوشش، بیان و ابراز عقیده و بروز رفتار. همچنین در زمینه آزادی در انتخاب پوشش، اینان معتقدند آزادی به‌گونه‌ای باشد که منجر به فساد نشود. این تصویر در واقع اعتراضی به وضع موجود است که از نظر این زنان، اجباری بودن هر چیزی در جامعه نام دارد. احساس اجبار و احساس نبود آزادی چیزی است که این قشر را می‌آزارد و آنها را در تنگنا و تضاد تصمیم‌گیری برای



داشتن آزادی به این معنا قرار می‌دهد؛ چراکه در حین بیان این تصاویر، خود دچار نوعی درگیری با خود می‌شدند و حدودی برای این آزادی‌ها قرار می‌دادند. به نظر می‌رسد رسانه در ایجاد این احساس اجبار و احساس نبود آزادی نقش مهمی را بازی می‌کند.

در سویی دیگر، زنانی قرار داشتند که در صورت قرار گرفتن در رأس دولت خواستار حضور حداکثری و واقعی دین در تمام شئون و به دنبال راه چاره برای از بین بردن احساس اجبار اجتماعی و نبود آزادی و حل تمام مشکلات به این واسطه بودند. نکته قابل توجه این‌که در هر دو قشر در نظر گرفتن نظر طیف مخالف اهمیت ویژه‌ای داشت.

## مرگ خاموش

گزاره کلامی: «اگر رئیس دولت بشوم خانواده‌م دیگر من را مثل قبل نخواهد داشت و حضورم کم‌رنگ می‌شود، چون سرم شلوغ خواهد بود.» «معمولاً زن و دخترهای ما این طوری هستند که خانواده را رها می‌کنند، سعی می‌کنند تأثیر اجتماعی و سیاسی داشته باشند».

این بُعد از تصویر دولت من نشان از این نکته دارد که زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش در کسوت رئیس دولت یا حتی فعال اجتماعی و سیاسی، معتقدند که با وجود میل باطنی خود، چون بروز و ظهور اجتماعی و سیاسی را مسیر اصلی زندگی خود تعریف خواهند کرد، خانواده را وامی‌نهند و در اولویت بعدی زندگی خود قرار خواهند داد؛ بنابراین در آینده اگر حضور زنان در مشاغل جامعه و مناصب بالای سیاسی و اجتماعی بیشتر شود، بنیان‌های نهاد خانواده رو به ضعف خواهند گذاشت.

## تصویر ۵. آینده‌ای که نمی‌خواهیمش

این مضمون تصویرگر آینده‌ای است که ادامه گذشته باشد و تعریف مفهوم خطی بودن زمان را تداعی کند. در این تصویر مشارکت‌کنندگان از این‌که اکنونشان آینده گذشته باشد، احساس هراس دارند. به عبارت بهتر هراس از تکرار گذشته و ادامه روندهای فعلی زندگی و یا بدتر شدن آنها به گونه‌ای که منجر به از دست دادن دلبستگی‌های امروز شود، توصیف تصویری از آینده است که مشارکت‌کنندگان تمایلی به وقوع آن ندارند. بی‌حرکی و بی‌انگیزگی، ادامه وضعیت بی‌ثبات شغلی، دست نیافتن به اهداف و آرمان‌ها، ادامه شکست‌ها و نرسیدن‌ها و در جازدن‌ها، رفاه اقتصادی و خودناباوری ملی، از نگرانی‌ها و هراس‌های زنان برای آینده است. این مقوله تصویری از آینده را به نمایش می‌گذارد که در آن روند موارد نام‌برده که در زمان حال اتفاق می‌افتد، ادامه یابند.

مقوله‌های این تصویر «اقتصاد بیمار»، «احساس فساد اجتماعی»، «آینده رسمی و غیررسمی» و «دنیای بدون عزیزان» است. همچنین این مضمون ناظر به نقد وضع موجود و بررسی فشار حال نیز هست.

## اقتصاد بیمار

اقتصاد بیمار توصیف‌کننده وضعیتی است که در آن دستیابی به هدف، در گرو مسائل مالی و اقتصادی است و به عبارت بهتر مسائل مالی دست‌وپاگیر رسیدن به آرمان‌های فردی زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش است. تمرکز جامعه نیز بر روی مسائل مالی است. این توصیف همه مشارکت‌کنندگان از وضع موجود بود و تنها یک نفر مشکلات جامعه و حتی مشکلات اقتصادی را ناشی از فرهنگ بیمار جامعه و خودخواهی افراد آن می‌دانست.

## احساس فساد اجتماعی

ازدواج سفید، روابط اشتباه میان زن و مرد، فراگیری فرهنگ بی‌بندوباری و احساس ارزشمندی این فرهنگ، خودخواهی و بی‌بندوباری و ریاکاری، مقوله «احساس فساد اجتماعی» در وضع موجود را توصیف می‌کنند. این مقوله ناشی از احساس جابه‌جایی ارزش‌ها و تبدیل ضد ارزش به ارزش است، به گونه‌ای که بر ملاک انتخاب انسان‌ها تأثیرگذار بوده است و بر آینده تأثیر خواهد گذاشت.

## آینده رسمی و غیررسمی

این مقوله نشان از تفاوت آینده مطلوب جامعه و آینده مطلوب حاکمیت دارد که یادآور دو قطبی شدن و شکاف بین ملت و حاکمیت است. گزاره کلامی «جامعه را باید ببینیم آیا جدا از حکومت است یا نه. الان این جامعه‌ای که من دارم می‌بینم، خود مردم آرمان شهرشان فرق دارد با چیزی که حکومت دارد». در این تصویر از آینده، سیاستمداران مالکان آینده خواهند بود.

## دنیای بدون عزیزان

آینده‌ای که تصویرگر دنیای بدون عزیزان، یعنی پدر، مادر، یا یکی از اعضای خانواده باشد، سرشار از تاریکی است. این بدترین اتفاقی است که برای غالب زنان مشارکت‌کننده در آینده می‌تواند بیفتد که از گزاره کلامی «وحشتناک‌ترین اتفاق این است که یک روز پدر و مادر یا یکی از اعضای خانواده‌ام نباشند» آشکار می‌شود.

## تصویر ۶. بی‌آیندگی اجتماعی

این مضمون، بی‌تصویری جمعی از آینده را توصیف می‌کند؛ به این معنی که جامعه مقصدی جمعی برای دستیابی به آن ندارد. به عبارت بهتر، تصاویر سیاه و منفی از آینده جمعی و ناامیدی از وضع کنونی

اجتماع، مربوط به احساس فساد اجتماعی و احساس بی‌عدالتی، دلیل شکل‌گیری تصویر «بی‌آیندگی اجتماعی» است که شامل مقوله‌های «استعمار آینده» و «حال‌زدگی اجتماعی» است. زنان تصاویر فردی خود از آینده را کاملاً روشن و مثبت می‌بینند، اما تصویر آینده اجتماعی و حتی جهان، در ذهن آنان کاملاً تاریک و روبه‌نابودی است.

## استعمار آینده

این مقوله جلوه‌گر تصویری مبهم و تاریک از آینده کشور است که در آن روندها رو به بهبود نمی‌روند و امید رنگ باخته است. بنابراین زنان صاحبان این تصاویر، سهمی از آینده برای فرزندان خود در ایران نمی‌بینند و آینده دیگران را آینده فرزند خود به حساب می‌آورند. پس ایران جای زندگی فرزندان این زنان نیست و مهاجرت از ایران ضروری است. همچنین اگر کسی بخواهد در ایران به دنبال اهداف خود باشد، با وجود آینده‌نگری و تلاش بسیار، به‌سختی به مقصد خواهد رسید. آنها این تصویر را نتیجه نبود ثبات در اوضاع اقتصادی کشور می‌دانند. گزاره‌های کلامی «نمی‌خواهم بچه‌ام مثل خودم قربانی بشود در این شرایط اقتصادی» یا «حتماً خارج از کشور جای بهتری برای پیشرفت فرزندم است»، مؤید این مفهوم است.

## حال‌زدگی اجتماعی

این مقوله نشانگر غرق بودن افراطی جامعه در زمان حال خود است. در نظر زنان، جامعه آرمان‌شهری ندارد که برای رسیدن به آن، به صورت جمعی تلاش کند. مردم جامعه تنها به دنبال حل مشکلات کنونی و فردی خود هستند و تصویری از یک آینده جمعی ندارند، حتی در وضعیتی وخیم‌تر مردم از آینده می‌ترسند و آن را خطرناک می‌دانند. از نظر مشارکت‌کنندگان، امید و اعتماد بین مردم بسیار کم‌رنگ شده است و به‌نوعی اخلاقیات را در جامعه روبه‌زوال می‌بینند؛ بنابراین بی‌انگیزگی اجتماعی رشد می‌کند و ناکارآمدی و بی‌ارزشی هنجارها و ارزش‌ها را به دنبال خواهد داشت. اخلاق و قانون در جامعه‌ای که آینده‌ای روشن برای خود متصور نیست، درجه اهمیت پایینی خواهد داشت؛ چراکه در این حالت افراد احساس تعلق کمتری نسبت به جامعه دارند. گزاره کلامی «من برای این جامعه با این وضع آینده مطلوبی نمی‌بینم، مگر این‌که واقعاً بخواهند تغییر کنند، بیشتر آدم‌ها دنبال این هستند که سر بقیه کلاه بگذارند و وظیفه خودشان را انجام نمی‌دهند» یا گزاره «جامعه مسیر درستی را در پیش نگرفته به نظر من، کسی به فکر بقیه نیست. هرکسی به فکر خودش و منافعش است» مؤید این تصویر است.

## نتیجه گیری

آینده پژوهان تصاویر آینده را رگ‌های حیاتی تولد آینده مطلوب می‌دانند؛ چرا که آنها بر آنچه به‌واقع آینده خواهد بود، تأثیر شگرفی دارند. تصاویر آینده از باورها، آرزوها، عقاید و فرضیه‌هایی از آنچه آینده خواهد بود، تشکیل شده است؛ بنابراین ذاتاً سامان‌مند و قابل دسته‌بندی و ارزیابی‌اند و هنگامی که رنگ واقعیت بگیرند، شامل انتظارات گذشته خواهند بود.

هدف این پژوهش، استخراج تصاویر آینده در ذهن زنان نخبه و دانشگاهی دهه شصت از طریق مطالعه در بلوک‌های سازنده تصاویر ذهنی زنان از آینده و نقش آنان در آن بود. زنان به‌عنوان نیمی از پیکر جامعه و بازیگران اصلی هر آینده‌ای، نقشی کلیدی در شکل‌گیری آن دارند. جرم جمعیتی و شرایط سنی زنان متولد دهه شصت، ضرورت پژوهش بر روی تصاویر ذهنی آنها از آینده را برای اقدام در تحقق هر آینده مطلوبی، نمایان می‌کند.

در تحلیل تصاویر عام زنان در این پژوهش، فشارهای اقتصادی زمان حال نقش پررنگی دارند که گاه باعث ایجاد تصاویری هراس‌آلود از آینده می‌شوند. به‌طور دقیق‌تر، همانند نتایج سایر پژوهش‌های حوزه تصاویر آینده (طاهری دمنه و حیدری دارانی ۱۳۹۹؛ طاهری دمنه و کاظمی ۱۳۹۷؛ طاهری دمنه ۱۳۹۴)، تصاویر آینده مطلوب زنان در ساحت فردی، تصاویری آرمان‌شهری از اوضاع اقتصادی، روحی، جسمی، شغلی و خانوادگی آنان است، اما تصاویر آنان در ساحت اجتماعی، تصاویری ویران‌شهری و سیاه است که با ادامه روندهای موجود محقق خواهد شد. آرزوی آنها برای آینده ایران، آینده‌ای روشن و سرشار از پیشرفت علمی و برای جهان، آینده‌ای پر از صلح و دوستی است که اغلب آمیدی به تحقق آن ندارند. این نتایج بخشی از تصاویر آینده مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در پاسخ به پرسش‌های فاز اول بود. در بررسی تصاویر مستخرج از این فاز، استادان زن در میدان تأثیرگذاری برای تغییر فکر و جهت جامعه در مسیر تحقق آینده‌ای که به‌زعمشان یک آینده مطلوب جمعی نیز هست، نقش و عاملیتی برای خود قائل نیستند یا دایره اثرگذاری خود را بسیار محدود و در حد خانواده یا جمع بسیار کوچکی از دانشجویان خود می‌بینند. مشارکت‌کنندگان حتی آرزو و آرمان عاملیت تغییر در جامعه را ندارند. به‌نظر می‌رسد این سطح از انفعال می‌تواند نتیجه شرایط و عوامل متفاوتی چون نگاه شیء‌واره به زن، تضعیف ویژگی‌های زنانه و بی‌اهمیت دانستن آنها، نوع نگاه به نقش زن در جامعه، باورهای کلیشه‌ای جنسیتی، رویکردهای فردگرایانه آموزشی و فرهنگی باشد که درنهایت منجر به شکل‌گیری نسلی از زنان با اعتمادبه‌نفس پایین و خودناباوری اجتماعی شده است. عوامل و پیامدهای این نتیجه را باید پژوهید و به‌لحاظ علمی بررسی تا بستری جهت نقد فراگیر وضع موجود و گسترش شکل جدیدی از مشارکت زنان در خلق آینده به‌منظور ایجاد حس تعلق نسبت به آینده ایجاد شود.

در بررسی تصاویر آینده مستخرج از پرسش‌های فاز دوم پژوهش، نتایج به‌گونه‌ای چشمگیر متفاوت است. در این تصاویر که زنان خود را صاحب آینده و دارای قدرت می‌بینند، تصاویر به‌صورتی اغراق‌گونه مثبت است. شرایط اقتصادی، آموزشی، برابری جنسیتی، فرصت‌های برابر کار و اشتغال، میان زنان و

مردان در سطح کشور، کاملاً ایدئال است و شایسته‌سالاری در تمام شئون حکمرانی جاری و ساری است، اما لازم به تأکید است که تحقق این شرایط ایدئال در ذهن زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش، نه از سرگرایش‌های فمینیستی که به دلیل برقراری فرصت‌های برابر برای حضور زنان و مردان در عرصه‌های مختلف است.

نکته بسیار مهم این پژوهش غلبه فردگرایی خودخواهانه در تمایلات آینده زنان دهه شصت است که به صورت کلی در داده‌های تحقیق مشاهده می‌شود. روح حاکم بر نظرات مشارکت‌کنندگان، فردگرایی، بی‌توجهی به ارزش‌ها و منافع جمعی است، حتی کسانی که خود به رشد فردگرایی در جامعه اشاره و انتقاد دارند، منافع و ارزش‌های فردی خود را بر جمع اولویت می‌دهند. پیگیری مطلوبیت‌های فردی، تکروی، نبود روحیه جمعی از آسیب‌هایی است که به‌گواه محققان در جامعه ایرانی روند روبه‌رشدی دارد. البته لازم به ذکر است که فردگرایی کلان‌روندی جهانی است، اما صورت بروز آن در جوامع مختلف، متفاوت است. از آنجا که جامعه ایران به دلیل بی‌ثباتی و ناپایداری مزمن «جامعه‌ای کوتاه‌مدت» است، می‌توان فردگرایی را در ایران از نوع خودمدار نامید؛ زیرا جامعه ایرانی جامعه‌ای کوتاه‌مدت است و طبیعی است که هرکس فقط به فکر بیرون کشیدن گلیم خود از آب باشد. هر فرد خودمدارانه دنبال منافع خود است و فرصت توجه به منافع و مسائل عمومی را ندارد. این مفهوم با مضامین به‌دست‌آمده در این پژوهش نیز همبستگی دارد.

به‌طور کلی، متغیرهای شکل‌دهی تصاویر ذهنی زنان از آینده در سطح عام عبارت‌اند از: جایگاه تاریخی زن ایرانی؛ نقش فرهنگ غرب؛ نقش عملکرد دولت‌ها در تجربه جمهوری اسلامی ایران؛ نقش نظام آموزش و نیز مفاهیم پایه در تشکیل این تصاویر شامل اشتغال، آزادی، تربیت و جنسیت. اشتغال در این بحث به معنی انجام کاری بیرون از خانه در ازای پول است که ترجیحاً متناسب با رشته تحصیلی زنان باشد. پیش‌فرض ذهنی زنان شرکت‌کننده در این مصاحبه برای زندگی مطلوب در آینده، داشتن شغلی دائمی است و تصاویر ذهنی آنان از آینده فردی خود قرارگرفتن در جایگاه شغلی است که از نظر اجتماعی و درآمد مالی نیز در سطح بالایی باشد. از نظر آنان، شغل و درآمد استقلالشان را از همسر تأمین می‌کند و ضریب تأثیر مستقیم آنها در آینده خود و جامعه را بیشتر خواهد کرد. این تمایل به برعهده‌گرفتن مسئولیت‌های خارج از خانه روزبه‌روز در حال افزایش است. در میان زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش جنسیت‌زدگی به معنایی که در فمینیسم مطرح است، وجود ندارد. شایسته‌سالاری و برابری حقوق زن و مرد به این معنا که فرصت‌ها برای پیشرفت در مسیر شغلی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و قضایی از هر نظر یکسان باشد، از نکاتی است که مد نظر آنان است.

ازسویی آنها نقش زن به‌عنوان مادر را بسیار پررنگ می‌دانند و برون‌سپاری تربیت را به نهاد دولت کاردرستی نمی‌دانند. اینجاست که تناقضاتی در ذهن آنان ایجاد می‌شود که در عرصه عمل بیشتر خود را نشان می‌دهد و فرض بنیادین تفکر آنان در این باره آن است که نفس حضور مؤثر بیرون از خانه در فرهنگ، اقتصاد و ... با وقت‌گذاری تمام و کمال مادر برای تربیت فرزند تناقضی آشکار دارد. آنان در هر

دو مقوله گرفتار نوعی کمال‌گرایی هستند و گویی در حلقه‌ای از تناقضات خودتقویت‌شونده پیش می‌روند و این خود منجر به نارضایتی از وضع موجود می‌شود. نکته اصلی از نظر نگارندگان این مقاله آن است که این زنان در دوران گذار از سنت به مدرنیته، دچار نوعی سردرگمی ناشی از کمال‌گرایی هستند، از طرفی تمایل دارند بیرون از خانه به دنبال جایگاه شغلی و اجتماعی باشند و در حدّ ایدئال خواستار این شرایط‌اند، از سویی دیگر تربیت فرزندان را به بهترین نحو وظیفه خود می‌دانند. به این ترتیب دچار نوعی از خودبیگانگی می‌شوند که لطافت زنانه خود را فدا می‌کنند و نتیجه این فرآیند، فرسایش روحی و جسمی آنان است که خود نیز به آن اشاراتی داشته‌اند. به نظر می‌رسد در شکل‌گیری این ذهنیت می‌توان به گفتمان‌های غالب ناظر به جایگاه زنان پس از انقلاب، یعنی گفتمان‌های حامی مشارکت زنان با تأکید بر نقش آرمانی «مادرهمسر» و «توانمندسازی زنان و نیز ارتقای کیفیت زندگی با تکیه بر مؤلفه‌های اندیشه لیبرال و آزادی‌خواهانه» (یاسینی ۱۴۰۰: ۳۶) اشاره کرد که در ضرب با فضای دوقطبی‌شده جامعه ایرانی موجب سرگردانی و حیرانی زنان میان این نقش‌ها شده است.

همین‌طور آزادی مفهوم پایه‌ای دیگر برای تصاویر ذهنی زنان از آینده است که تعریف یکتایی در ذهن آنان ندارد و در نقد وضع موجود و ایجاد وضع مطلوب آنان بسیاراهمیت دارد. تعریف آنها از آزادی تعریفی مطلقاً غربی نیست، به عبارت بهتر پیاده‌سازی آزادی در غرب را نمی‌پسندند و از تبدیل شدن جامعه به جامعه‌ای که به گمان آنها بی‌بندوبار، به معنی غربی است، واهمه دارند، اما از سویی دیگر نابسامانی‌ها و نارضایتی‌های اجتماعی را ناشی از نبود آزادی به معنای واقعی می‌دانند. به نظر می‌رسد تصویر ذهنی آنها از آزادی تصویری همراه با تناقضاتی از محیط پیرامونشان است که از سویی تحت تأثیر مفهوم «کنشگر‌نمایی» در شبکه‌های اجتماعی (طالبیان و طالبیان ۱۳۹۶: ۲۰۷) است و از سویی دیگر متناقض با فضایی است که در آن پرورش یافته‌اند.

به‌طور خلاصه زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش با ادامه روندهای موجود، تصویر مثبتی از آینده ایران در ذهن ندارند. آنها دایره تأثیرگذاری و نقش خود را در آینده جامعه و کشور با ادامه روندهای فعلی، بسیار حدقل می‌بینند و اگر به ایفای نقشی کلان در آینده کشور فکر نکنند، حتماً این نقش متکی به باز شدن راه از جانب مردان و با استانداردهای مردانه است و نه متکی صرف بر شایستگی زنان. از نظر آنها آینده را دیگری‌ها می‌سازند و اینان در عزلت به زندگی شخصی خود مشغول هستند. زندگی شخصی با رویکرد فردمحورانه‌ای که با وجود شرایط بد اجتماعی، تصویری مثبت از آن در ذهن دارند، زندگی که از هر نظر، شغلی، مالی، استقلال، فرزند و رفاه به ثبات رسیده است، اما با تصور خود به‌عنوان رئیس دولتی که در رأس آن هستند یا مسئولیتی کلان در آن دارند، آینده ایران روشن و مثبت در ذهن آنان نقش می‌بندد و به این ترتیب تمام مؤلفه‌هایی که در شکل‌گیری آینده یک دولت از نظر آنان مهم است، از جمله اقتصادی، آموزش، تربیت، عدالت اقتصادی و اجتماعی، دخالت دین در ساحات مختلف دولت و نحوه اداره دولت، روندی در راستای بهبود شرایط آینده خواهد داشت.

این مقاله در سنت پژوهش‌های کیفی است و در نهایت به استخراج مضمون‌های سازنده تصاویر

آینده در ذهن زنان منجر شد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگر و با استفاده از روش‌های کمی به پردازش نتایج آن در جامعه آماری بزرگ‌تری پرداخته شود.

## منابع

- احسانی، بهمن؛ انعامی، علی (۱۳۹۰). «دیده‌بانی آینده مواد مخدر و روان‌گردان و جایگاه پلیس زن ایران در مواجهه با روندهای تأثیرگذار بر آن»، پلیس زن، س ۵، ش ۱۴، صص ۱۰۳-۱۲۷.
- ایرنا (۱۳۹۹): <http://www.irna.ir/fa/News/82614479>
- پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۹). مدیریت راهبردی عصرمدان: رویکرد آینده‌پژوهانه به منافع عمومی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- پولاب، ام‌البنین؛ پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۹). «آینده‌پژوهی وضعیت آموزش زنان در منطقه خاورمیانه با تأکید بر ایران»، زن و فرهنگ، س ۱، ش ۴، صص ۱۵-۲۷.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ پولاب، ام‌البنین (۱۳۸۸). «آینده‌پژوهی وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران». زن در توسعه و سیاست، س ۷، ش ۳، صص ۸۹-۱۰۶.
- درویشی سه‌تالانی، فرهاد؛ همتی، زهره (۱۳۹۷). «سناریوهای پیش روی حضور زنان ایرانی در عرصه سیاست ۱۳۹۶-۱۴۰۶ یک بررسی آینده‌پژوهانه»، زن در توسعه و سیاست، س ۱۶، ش ۳، صص ۱۹۶-۳۷۹.
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۹). <http://yon.ir/KfYMu>
- رضایان، احد؛ کاظمی، معصومه (۱۳۹۳). «تصویرپردازی و کلان‌تصاویر آینده سیاست جهانی؛ تصویرپردازی روشی مناسب برای شناخت آینده در جهان پیچیده». فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، س ۶، ش ۳، صص ۱۷۳-۲۰۰.
- طالبیان، حامد؛ طالبیان، سارا (۱۳۹۶). «زنان و کنشگری در رسانه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: صفحه فیس‌بوکی آزادی یواشکی زنان)». زن در توسعه و سیاست، س ۱۵، ش ۲، صص ۲۰۵-۲۰۲.
- طاهری دمنه، محسن؛ حیدری دارانی، زهرا (۱۳۹۸). «زنان و دگرگونی‌های آینده؛ تحلیلی بر تصاویر ذهنی دختران متولد دهه ۱۳۷۰ از آینده». زن در توسعه و سیاست، ش ۶۶، صص ۵۳۹-۵۵۵.
- طاهری دمنه، محسن؛ کاظمی، معصومه (۱۳۹۷). «تمایل به مهاجرت در میان جوانان؛ مطالعه‌ای کیفی در تصاویر آینده». فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ش ۴، صص ۵۳-۸۷.
- طاهری دمنه، محسن (۱۳۹۴). «بررسی تحلیلی تصاویر آینده جامعه ایرانی در ذهن جوانان تحصیل کرده کشور براساس روش تحلیل لایه‌های علی (CLA)». پایان‌نامه دکتری، آینده‌پژوهی. دانشکده علوم و فنون نوین، دانشگاه تهران.
- فردانیوز (۱۳۹۹): <https://www.fardanews.com/fa/news>
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۵). «تحولات اخیر و آینده وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان». فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، س ۱، ش ۱، صص ۲۰-۴۲.
- عنایت‌الله، سهیل (۱۳۸۸). پرسش از آینده، آینده‌پژوهی به‌مثابه ابزار تحول سازمانی و اجتماعی، ترجمه مسعود منزوی، تهران: مرکز آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

- مرکز ملی آمار ایران (۱۴۰۰). <https://www.amar.org.ir/>.
- نوروزی، لادن (۱۳۸۱). «مدلی برای تبیین نرخ مشارکت اقتصادی زنان شهری»، زن در توسعه و سیاست، س ۱، ش ۴، صص ۱-۱۶.
- یاسینی، راضیه (۱۴۰۰). «برساخت تصویر «زن» در نشریات تخصصی هنری در دوره اصلاحات (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴)». زن در فرهنگ و هنر، س ۱۳، ش ۱، صص ۳۵-۶۳.
- Bell, Wendell (2003). "Foundations of futures studies: History, purposes, and knowledge". Volume 1, Human science for a new era. New Brunswick: Transaction Publishers.
- Dator, J (2002). "Futures studies as applied knowledge". In *New thinking for a new millennium* (PP. 119-129). Routledge.
- Ghasemi, Hamid & Rasekh, Nazanin (2020). "Identifying Dimensions of Communication Literacy: Thematic Analysis Approach". *Journal of Health Literacy*, 4 (4). pp. 18-29.
- Hedorfer, Petra & Schultze, Matthias (2014). "Meeting and convention 2030: a study of megatrends shaping our industry".
- Kaboli, S. Akhgar & Tapio, Petri (2018). "How late-modern nomads imagine tomorrow? Causal Layered Analysis practice to explore the images of the future of young adults", *Futures*, 96, PP 32-43.
- Polak, Fred (1973), "The image of the future", Elsevier, Amsterdam.
- Shahid, N Khan (2014). "Qualitative Research Method – Phenomenology", *Asian Social Science*; Published by Canadian Center of Science and Education, 10 (21), PP 1-11.
- Taheri Demneh, Mohsen & Morgan, D. Ray (2018). "Destination Identity: Futures Images as Social Identity", *Futures Studies*, 22 (3), PP 51-64.
- Tickell, Crispin (2011). "Societal responses to the Anthropocene. *Philosophical transaction of royal society*", 369, PP 926–932.
- Folke, Carl & Stephen Polasky & Johan Rockström & Victor Galaz & Frances Westley & Michèle Lamont, Marten Scheffer & Henrik O' sterblom & Stephen R. Carpenter & F. Stuart Chapin III, Karen C. Seto & Elke U. Weber & Beatrice I. Crona & Gretchen C. Daily & Partha Dasgupta & Owen Gaffney & Line J. Gordon & Holger Hoff & Simon A. Levin & Jane Lubchenco & Will Steffen & Brian H. Walker (2021). "Our future in the Anthropocene biosphere", *Ambio*, PP 1-36.